



دانشگاه سям نور
چیه

اقتصاد ایران

(رشته اقتصاد)

دکتر جهانگیر بیابانی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

نه	مقدمه
۱	فصل اول: اقتصاد ایران از دوره صفویه تا پهلوی اول
۲	۱-۱ اقتصاد دوره صفویه
۱۰	۲-۱ اقتصاد دوره نادرشاه
۱۳	۳-۱ اقتصاد دوره کریمخان
۱۳	۴-۱ اقتصاد دوره قاجاریه (۱۳۰۴-۱۱۷۴)
۲۷	فصل دوم: پهلوی اول و اوضاع اقتصادی کشور
۲۸	۱-۲ حکومت استبدادی نوین
۳۰	۲-۲ ویژگی‌های یک نظام اجتماعی کارآمد و پیش شرط‌های آن
۳۲	۳-۲ فتودالیسم و تحولات اقتصادی کشور
۳۴	۴-۲ اوضاع کارگری و صنفی در دوره رضاخان
۳۵	۵-۲ وضعیت زمین‌داران و کشاورزان به‌عنوان مهمترین منبع تولید در دوره رضاخان
۳۶	۶-۲ وضعیت مذهب و تحولات فرهنگی در دوره رضاخان
۳۸	۷-۲ نوسازی اقتصادی از بالا و توسعه نیافتگی کشور
۴۳	۸-۲ ارزیابی روند توسعه کشور در دوره پهلوی اول
۴۹	فصل سوم: پهلوی دوم و تحولات اقتصادی کشور
۵۰	۱-۳ ساختار سیاسی
۵۶	۲-۳ درآمدهای نفتی و نقش ایران در منطقه
۵۸	۳-۳ درآمدهای نفتی و توسعه اقتصادی کشور

۶۶	۳-۴ توسعه ملی و نظام برنامه ریزی (۱۳۵۷-۱۳۲۷)
۶۹	۳-۵ ارزیابی روند توسعه کشور در دوره پهلوی دوم
۷۹	فصل چهارم: تحولات جمعیتی، اشتغال و بیکاری
۸۰	۴-۱ تعاریف و مفاهیم
۸۰	۴-۱-۱ فعالیت اقتصادی یا کار
۸۰	۴-۱-۲ جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۸۱	۴-۱-۳ جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی
۸۱	۴-۱-۴ شاغل
۸۲	۴-۱-۵ بیکار (جویای کار)
۸۲	۴-۱-۶ محصل
۸۲	۴-۱-۷ خانه دار
۸۳	۴-۱-۸ دارای درآمد بدون کار
۸۳	۴-۱-۹ نرخ اشتغال
۸۳	۴-۱-۱۰ نرخ بیکاری
۸۳	۴-۱-۱۱ نرخ واقعی فعالیت
۸۳	۴-۲ تحولات جمعیتی کشور
۸۷	۴-۳ اشتغال
۸۷	۴-۴ بیکاری
۸۸	۴-۴-۱ بیکاری ناشی از جوان شدن جمعیت
۸۹	۴-۴-۲ نرخ مشارکت زنان و پدیده بیکاری ساختاری کشور
۱۰۰	۴-۴-۳ رفتار سالخوردگان و پدیده بیکاری کشور
۱۰۵	۴-۴-۴ ذخیره بیکاری و پیشنهاداتی جهت کاهش آن
۱۱۱	فصل پنجم: دولت و تحولات اقتصادی کشور
۱۱۳	۵-۱ نارسایی بازار و ضرورت دخالت دولت
۱۱۴	۵-۲ نارسایی دولت و ضرورت بازار
۱۱۶	۵-۳ ترکیب بهینه دولت و بازار
۱۱۷	۵-۴ دولت و اقتصاد کشور
۱۱۸	۵-۴-۱ هزینه دولت
۱۲۴	۵-۴-۲ درآمدهای دولت
۱۳۴	۵-۵ نسبت درآمد مالیاتی در تولید ناخالص داخلی کشور
۱۳۹	۵-۶ نرخ کوشش مالیاتی در نظام مالیاتی ایران

۱۴۵	فصل ششم: تحولات بخش کشاورزی کشور
۱۴۷	۱-۶ مساحت و ویژگی‌های آب و هوایی کشور
۱۴۷	۱-۱-۶ مهمترین ویژگی‌های آب و هوایی کشور
۱۴۸	۲-۶ اوضاع بخش کشاورزی کشور در قبل از انقلاب اسلامی
۱۵۳	۳-۶ اوضاع کشاورزی بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۹)
۱۵۷	۴-۶ موانع و مشکلات توسعه بخش کشاورزی کشور
۱۶۵	فصل هفتم: نفت و گاز و تحولات اقتصادی کشور
۱۶۶	۱-۷ حجم، تولید و مصرف نفت در ایران و جهان
۱۷۶	۲-۷ ذخایر و تولید گاز ایران و جهان
۱۸۲	۳-۷ درآمدهای نفتی و تحولات اقتصادی کشور (۵۷-۱۳۳۳)
۱۸۵	۴-۷ درآمدهای نفتی و تحولات اقتصادی کشور (۶۸-۱۳۵۷)
۱۸۹	۵-۷ درآمدهای نفتی و درآمد دولت (۸۹-۱۳۶۹)
۱۹۲	۶-۷ درآمدهای نفتی و تراز پرداخت‌های خارجی کشور
۱۹۹	فصل هشتم: تورم و حجم نقدینگی
۲۰۱	۱-۸ اهداف و ابزارهای بانک مرکزی
۲۰۳	۲-۸ حجم نقدینگی کشور طی سال‌های ۵۸-۹۱
۲۱۴	۳-۸ رابطه نقدینگی و نرخ تورم در اقتصاد ایران
۲۱۵	۴-۸ مهم ترین ابزار و راهکار کنترل نقدینگی و تورم چیست؟
۲۱۹	فصل نهم: توانائیه‌ها، بهره‌وری کل و توسعه اقتصادی کشور
۲۲۲	۱-۹ مرور برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۲۲۳	۱-۱-۹ برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸)
۲۲۶	۱-۲-۹ برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴)
۲۲۸	۱-۳-۹ برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)
۲۳۱	۱-۴-۹ برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴)
۲۳۳	۲-۹ عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی
۲۳۳	۱-۲-۹ رشد اقتصادی
۲۳۴	۲-۲-۹ سرمایه گذاری
۲۳۶	۳-۲-۹ عدالت اجتماعی و توزیع درآمد
۲۳۹	۲-۲-۹ نرخ تورم طی دوره ۹۱-۱۳۳۸
۲۴۱	۵-۲-۹ بخش خارجی اقتصاد
۲۴۶	۳-۹ نظام بهره‌وری

۲۴۷	۹-۳-۱ اهمیت و ویژگی مطلوب نظام بهره‌وری
۲۶۳	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای
۲۶۵	منابع فارسی
۲۶۷	منابع لاتین

مقدمه

هدف اصلی کتاب پیش رو بررسی تحولات اقتصادی کشور به‌ویژه طی پنجاه سال اخیر در چارچوب نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی است. نظریه اصلی حاکم بر تحلیل اقتصاد کشور عبارت است از اینکه، توسعه و تحولات اقتصادی یک فرآیند متقابل و متعامل با سایر حوزه‌ها و زیر نظام‌های اجتماعی است که عمده‌تاً شامل زیر نظام نهادی - سیاسی، زیر نظام فرهنگی و زیر نظام فنی و منابع تولیدی یا همان زیر نظام اقتصادی می‌گردد. به عبارت دیگر تحولات زیر نظام اقتصادی کشور بدون توجه به تحولات سایر حوزه‌های مرتبط که در حوزه نهادی - سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرند بررسی و تحلیل ناقص و غیر واقعی از تحولات اقتصادی کشور است.

فرض اساسی در مطالعات پیش رو عبارت از این است که:

ایران در حوزه منابع تولید، اعم از منابع طبیعی و نیروی انسانی یک کشور غنی محسوب می‌گردد و حتی نسبت به بسیاری از کشورهای پیشرفته همچون آلمان، انگلستان و کره جنوبی به منابع و عوامل تولید بیشتری هم دسترسی دارد. اما اینکه چرا سطح توسعه یافتگی آن پایین‌تر از این کشورهاست؟ می‌بایست علت را در پیشینه سیاسی - فرهنگی و عوامل مرتبط با سطح بهره‌وری پایین عوامل تولید، در حوزه نهادی - سیاسی به‌ویژه نقش دولت در اقتصاد گذشته و حال کشور، جستجو نمود.

برای دستیابی به درک درست، از چگونگی تحولات اقتصادی کشور علاوه بر آگاهی به چگونگی اثرگذاری زیر نظام نهادی سیاسی و فرهنگی بر زیر نظام اقتصادی کشور ضروری است دانشجویان و مطالعه‌کنندگان گرامی از علم و آگاهی کافی به علت

وقوع و یا چگونگی مدیریت متغیرهای کلان اقتصادی در حوزه اشتغال، تورم و رشد اقتصادی برخوردار باشند و همچنین نظریات ارائه شده در خصوص موانع توسعه در کشورهای توسعه نیافته را به خوبی فراگرفته باشند. بنابراین نظریات مطرح شده در علم اقتصاد از جانب نخبگان و صاحب‌اندیشان اقتصادی به‌ویژه در حوزه توسعه و کلان به‌عنوان تجربه انباشته شده انسان امروز با هدف دستیابی به سیاست‌های کارآمد برای رفع موانع توسعه اقتصادی کشور، می‌بایست با جدیت مورد اهتمام قرار گیرد. کما اینکه پیش نیاز درس سه واحدی اقتصاد ایران برای دانشجویان رشته علوم اقتصادی مقطع کارشناسی دروس کلان و توسعه اقتصادی می‌باشد.

مجموعه مطالب ارائه شده جهت درس اقتصاد ایران در نه فصل می‌باشد. در فصل اول مروری بسیار گذرا به اقتصاد ایران از دوره صفویه تا دوره پهلوی خواهیم داشت. در فصل دوم به‌طور اجمال همراه با تحولات سیاسی کشور طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۹ اقتصاد ایران در دوره پهلوی اول مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل سوم هر چند ضروری می‌نمود به دلیل اهمیت و اثرگذاری عمیق تحولات سیاسی - اقتصادی دوره پهلوی دوم بر ساختار اقتصادی کشور در بعد از انقلاب اسلامی حتی طی سال‌های اخیر با جزئیات بیشتر مطالب ارائه گردد، اما به دلیل اینکه در موضوعات کلان مرتبط با اقتصاد کشور در فصول بعدی به‌طور ضروری به آن‌ها اشاره می‌گردد، در این فصل بیشتر به تحولات سیاسی - نهادی آن دوره که بر ساختار و تحولات اقتصادی کشور اثرگذار بوده‌اند اهتمام شده است.

از فصل چهارم به بعد در چارچوب مسائل و موضوعات کلان به تحلیل چگونگی تحولات اقتصادی کشور پرداخته شده است، به نحوی که در فصل چهارم با توجه به تحولات جمعیتی و نیروی انسانی کشور، مسئله اشتغال و بیکاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل پنجم به مهمترین عامل سیاسی - نهادی که در روند تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی کشور نقش اساسی داشته و دارد یعنی دولت و منابع درآمدی و ساختار هزینه‌ای آن اشاره می‌گردد. در فصل ششم تحولات بخش کشاورزی و موانع بر سر توسعه نیافتگی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل هفتم نقش نفت در تحولات اقتصادی کشور در گذشته و حال و آثار آن بر سایر بخش‌های اقتصادی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل هشتم به مهمترین مسئله اقتصادی کشور به‌ویژه

طی سال‌های اخیر یعنی تورم و علل مرتبط با آن به‌ویژه چگونگی رفتار دولت بر روی منبع پایه پولی به تفصیل اشاره می‌گردد. در نهایت در فصل نهم با توجه به مجموعه مطالب ارائه شده در فصول گذشته ارزیابی از توانایی‌ها و ظرفیت اقتصادی کشور ارائه می‌گردد و بدنبال آن تحلیل تحولات اقتصادی کشور در چارچوب الگوی رشد سنتی و موانع موجود جهت تحقق رشد بر اساس الگوی نوین در حوزه‌های نهادی - سیاسی و فرهنگی به‌ویژه نقش دولت در این خصوص مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در انتها به دانشجویان و کلیه علاقه‌مندان مطالعه اقتصاد ایران به‌ویژه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد توصیه می‌گردد همراه با مطالب هر بخش ضمن مراجعه به آخرین آمارهای انتشاریافته، به سایر کتاب‌ها و مقالات ارائه شده از طرف دیگر محققان و اساتید علوم اقتصادی به منظور افزایش توان تحلیلی خود مراجعه کافی و وافی صورت پذیرد.

دکتر جهانگیر بیابانی
استادیار دانشگاه پیام نور
مرکز تهران

فصل اول

اقتصاد ایران از دوره صفویه تا پهلوی اول

هدف کلی

آشنایی اجمالی دانشجویان با اوضاع اقتصادی ایران در یکی از مهمترین مقاطع تاریخی کشور که مقارن با دوره رنسانس در اروپاست، یعنی دوره صفویه و همچنین بعد از آن تا دوره پهلوی اول.

اهداف یادگیری

۱. معرفی مهمترین اقدامات اقتصادی شاه اسماعیل صفوی.
۲. بررسی اوضاع اقتصادی کشور در بعد از شاه اسماعیل.
۳. بیان مهمترین اقدامات اقتصادی شاه عباس.
۴. بررسی مشکلات اقتصادی کشور بعد از شاه عباس.
۵. تحلیل اوضاع اقتصادی کشور در دوره نادرشاه افشار.
۶. ارائه خلاصه اقدامات انجام شده توسط کریمخان زند.
۷. بررسی اوضاع اقتصادی کشور در دوره قاجار.

مقدمه

به منظور تحلیل هرچه بهتر تحولات اقتصادی کشور طی یکصد سال گذشته در این فصل مروری فشرده داریم بر کلیدیترین اقدامات اقتصادی کشور در یکی از مهمترین مقاطع تاریخی ایران که مقارن است با دوره بیداری یا رنسانس در اروپا و آغاز دوره جدید زندگی اقتصادی و اجتماعی دنیای امروز یعنی دوره صفویه، دوره رنسانس که بعد از دوره قرون وسطی از اواسط قرن پانزدهم میلادی با اصلاحات اساسی در

ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جامعه و همزمان با آن در زیرنظام نهادی - سیاسی اروپا آغاز گردیده شرایط و بستر مناسب را برای ظهور پیشرفت‌های گسترده در عرصه‌های گوناگون علوم طبیعی و انسانی را فراهم ساخت. ثمره این تحولات علمی، سیاسی و فرهنگی، تغییرات اساسی در روش تولید و استفاده کارآمدتر از منابع تولیدی در زیرنظام فنی و اقتصادی گردید، به نحوی که با انقلاب سبز در عرصه کشاورزی در قرن هفدهم و انقلاب صنعتی در قرن هیجدهم در انگلستان همراه گردید (هایامی، یوجیرو، ۱۳۸۰).

صفویه بیش از دو قرن ۱۱۰۱-۸۸۰ شمسی (۱۷۲۲-۱۵۰۱م) بر ایران حکومت کردند که در این فصل علی رغم محدود بودن منابع و حتی در برخی موارد متناقض، به مجموعه اقدامات و شرایط سیاسی - اجتماعی که تحولات اقتصادی کشور را در آن دوره تحت تأثیر قرار داده است از مؤسس آن سلسله شاه اسماعیل تا اوج اقتدار سیاسی و اقتصادی آنان یعنی دوره شاه عباس به اجمال اشاره می‌گردد. در ادامه وضعیت اقتصادی کشور پس از شورشیان افغان و روی کار آمدن سلسله افشاریه و سپس دوره زندیه بیان می‌گردد. در انتهای نیز به اقتصاد دوره قاجاریه (۱۳۰۴-۱۱۷۴) به دلیل اهمیت آن در روی کار آمدن دوره پهلوی و تحولات پس از آن هر چند مناسب بود به صورت مفصل تر آورده شود اما، تلاش شده است به صورت فشرده به مهمترین تحولات سیاسی و اجتماعی مؤثر بر وضعیت اقتصادی کشور در آن دوره اشاره گردد.

۱-۱ اقتصاد دوره صفویه

دوره صفویه با آغاز سلطنت شاه اسماعیل در سال ۸۸۰ شمسی برابر با ۱۵۰۱ میلادی آغاز می‌گردد. صفویان از تبار شیخ صفی‌الدین اردبیلی از رهبران اهل تصوف می‌باشند. شاه اسماعیل اول پسر حیدر که نوه صفی‌الدین می‌باشد پس از مرگ پدر و برادرش سلطان علی در سن هفت سالگی به گیلان پناه برد و در سال ۸۸۰ شمسی در سن دوازده سالگی برای جنگ با شیروان شاه دشمن پدرش لشکر کشید و سپس تبریز را تسخیر کرد و سلسله صفویه را بنا نهاد.

شاه اسماعیل با متحد کردن تقریباً سرزمین‌های ایرانی با فتح خراسان امپراطوری را بنا نهاد که از دیار بکر تا جیحون را فرا گرفت. پیروان شاه اسماعیل او را نه تنها

پادشاه بلکه، مهم تر از آن، از تبار پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) و نماینده امام زمان (عج) می دانستند (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

به نظر می رسد در این دوره بعضی از اصلاحات اقتصادی انجام شده است، مخصوصاً چنین می نماید که تولید ابریشم - که در قرن سیزدهم (میلادی) از طریق دریای خزر به گیلان توسط تجار جنوا از راه کریمه جذب می شد رو به رشد گذاشته است. دریانوردی ایرانیان نیز در اقیانوس هند از مالابار و سیلان تا مالاکا و سوماترا فعال بوده و چندین مستعمره نشین ایرانی در بنگال و سایر کشورها ذکر شده است (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸).

در دوره سلسله صفویه، شاه اسماعیل، اقداماتی برای بهبود شرایط اقتصادی حاکم بر ایران به عمل آورد، به طوری که هم بر حوزه تولید محصولات تأثیر مثبت داشت و هم بر حیطه توزیع آنها، اقدام در ساختن جاده ها و شبکه های آبیاری بسیار وسیع و گسترده نتیجه این اقدامات بود، به طوری که سطح زمین های زیر کشت افزایش یافت و یا زمین های زیر کشت به دلیل بهبود در آبیاری از بهره وری بالاتری برخوردار شدند. نکته مهم و قابل توجه آن است که در زمان شاه اسماعیل مالیات بر دهقانان از $\frac{1}{4}$ به $\frac{1}{6}$ محصول کاهش یافت (سیف، احمد، ۱۳۷۳).

به طور خلاصه در دوره شاه اسماعیل سه اقدام اساسی از طرف دولت در عرصه اقتصادی صورت پذیرفت که به شرح زیر می باشد:

- ساختن جاده و توسعه راه های مواصلاتی که امکان توسعه بازرگانی داخلی و تغییر الگوی تولید از نوع معیشتی به تولید تجاری بر اساس مزیت نسبی، جهت عرضه در سایر بازارها را (برای بخش اساسی تولید کشور یعنی کشاورزی) فراهم می ساخت.
- کنترل آب و توسعه شبکه های آبرسانی به عنوان یک کالای عمومی مورد نیاز بخش کشاورزی، که ضمن افزایش زمین های زیرکشت، بهره وری و بازده زمین و درآمد بیشتر را برای دهقانان به همراه داشت.
- کاهش نرخ مالیات ها نیز به عنوان سیاست طرف عرضه، منجر به تشویق دهقانان به تولید بیشتر گردید.

شاه اسماعیل در سال ۹۰۵ ده سال پس از نبرد چالدران در سن ۳۷ سالگی درگذشت. بعد از شاه اسماعیل، شاه طهماسب در سن ده سالگی به جای پدر نشست.

این امر به تنهایی برای بروز اختلاف و جنگ میان جناح های قزلباش و حتی سرنگونی سلسله صفوی کافی بود. نه سال طول کشید تا شاه طهماسب بتواند قدرت مطلق خود را به کار گیرد و به هرج و مرج داخلی پایان دهد. شاه طهماسب بی شک متعصب بود و به نام دین به ارمنستان و گرجستان لشکر کشید و اگر چه علاقه به غنیمت داشت اما خسیس هم بود و از انباشتن ثروت لذت می برد نه از جذاییت پدر بهره ای برده بود و نه در هوش، توانایی و قدرت به نوه اش عباس شباهتی داشت اما آن چنان حقیرانه هم عمل نکرده است چرا که بیش از چهل سال حکومت کرد و علی رغم از دست دادن بخشی از خاک ایران، عمدتاً به عثمانیان از مرزهای کشور محافظت کرد. او هنر به ویژه نقاشی مینیاتور و هنر صحافی را که در قرن گذشته با حمایت تیموریان رشد کرده بوده نیز تشویق کرد (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

شاه طهماسب، سیاست های اقتصادی پدر را تعقیب نکرد و این مسئله به ویژه در نیمه دوم سلطنت او بارزتر بود. البته از پیامدهای مخرب جنگ ایران و عثمانی در سال های ۹۳۵-۹۳۲ شمسی هم نباید غافل ماند. با این وصف بدی وضعیت اقتصادی کشور را از این نکته می توان تشخیص داد که در ۱۴ سال آخر حکومتش جهت پرداخت حقوق سربازان با مشکل جدی مواجه بود و به کارهای عام المنفعه، تعمیر راه ها و شبکه های آبیاری توجه چندانی نگردید. در زمان شاه طهماسب برخلاف دوره شاه اسماعیل که معافیت گسترده مالیاتی برقرار بود نرخ مالیات ها افزایش یافت (سیف، احمد، ۱۳۷۳).

در سال ۹۵۰ شمسی بحران اقتصادی به اوج خود رسید. شیوع طاعون در آن سال به همراه قحطی گسترده که سرتاسر مملکت را گرفت، شدت بحران اقتصادی را نوید می داد. با اینکه به نظر می رسد تولیدات بشدت کاهش یافته باشد، ولی گفته می شود که بعضی از این مالیات ها در فاصله سال های ۹۶۶-۹۴۹ شمسی حدود ۵ برابر افزایش یافت (سیف، احمد، ۱۳۷۳).

پس از مرگ شاه طهماسب در سال ۹۵۵ شمسی گفته می شود که او ۳۸۰۰ میلیون دینار طلا و نقره (بیش از ۸۳۰۰ کیلو طلا و نقره به صورت شمش)، ۲۰۰ خروار ابریشم، ۳۰۰۰ دست البسه گران قیمت و سلاح برای ۳۰۰۰۰ سرباز را در خزانه انبار کرده بود (سیف، احمد، ۱۳۷۳).

همچنین مؤلف شرف نامه می‌نویسد: (شاه طهماسب)

به جمع مال و منال و خزینه حرص تمام داشت (بنحویکه در انتهای عمر) ۳۸۰ هزار تومان از نقد طلا و نقره مسکوک و ششصد عدد خشت طلا و نقره هریک از قرار سه هزار مثقال و هشتصد عدد سرپوش طلا و نقره و دویست خروار حریر و سی هزار جامه و فراجہ دوخته از اقمشه نفیسه و اسلحه و یراق سی هزار سوار از جبه و جوشن کجیم و سه هزار شتر ماده و سه هزار رأس مادیان تازی پاکیزه و دویست رأس اسب داشت (نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، ۱۳۹۱).

بعید نیست که این ارقام بیش از مقدار واقعی خزانه شاهانه برآورد شده باشد، ولی با این وصف تردیدی نیست که مقدار قابل توجهی از مازاد اخذ شده از تولیدکنندگان به صورت دفینه درآمده و از روند تولید و باز تولید خارج شده است. برای نشان دادن خرابی اوضاع اقتصادی کشور در آن دوره می‌توان از ناامنی گسترده درجاده‌های ایران نام برد که به ویژه بر راه تجارتي بین هرمز و حلب تأثیر مخربی گذاشت و باعث کاهش تجارت داخلی و خارجی کشور شد (جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰).

ظرف دوازده سال پس از مرگ شاه طهماسب هرج و مرج داخلی، درگیری، شورش و جنگ داخلی جای زیادی برای دولت مرکزی باقی نگذاشت به‌نحوی که تفرقه و نابسامانی داخلی ضعف خارجی را به همراه آورد به‌نحوی که عثمانی‌ها بخش قابل ملاحظه‌ای از شمال غرب و غرب ایران از جمله بیشتر آذربایجان را اشغال کردند و ازبکان نیز مناطق گسترده‌ای را در خراسان و سیستان تصرف کردند (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

بنابراین شاه عباس میراث اقتصادی و سیاسی نومیدکننده‌ای را به ارث برد، به‌طوری که راه‌های تجاری به سوی شرق تحت کنترل ازبک‌ها بود درحالی که پرتغالی‌ها در جنوب روند تجارت را دیکته می‌کردند و ترک‌ها ایالات تولیدکننده ابریشم را در شمال غربی در دست داشتند ایران به لحاظ اقتصادی در خفقان به سر می‌برد، ایران بدون درآمد، بدون قدرت بود (جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰).

با روی کار آمدن شاه عباس در سال ۹۶۶ شمسی مصادف با ۱۵۸۷ میلادی و در نتیجه اقداماتی که بوسیله او صورت پذیرفت، بحران تا حد زیادی کاهش یافت و شاه

عباس نه تنها حاکمیت مرکزی را بر مناطق مختلف ایران تثبیت کرد، بلکه برای تثبیت موقعیت خویش به اقدامات دیگری هم برای احیای اقتصاد کشور زد. شاه عباس دریافت که کلید موفقیت اقتصادی ایران، ابریشم است و صادرات آن را رونق داد و خود کنترل آن را بدست گرفت، ابریشم کالایی بود که ایران در آن زمان به واسطه تولید این کالا سرآمد دوره بود (جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰). همچنین در دوره شاه عباس سیستم‌های آبیاری (قنوات) تعمیر شد و قنوات تازه‌ای حفر گردید. مقدار مالیات‌ها به سطح سال‌های قبل از سال ۹۴۹ شمسی یعنی زمان شاه اسماعیل تقلیل یافت. امنیت داخلی برقرار شد که نشانه بهبود وضع اقتصادی بود و در عین حال روند آن را تسریع کرد و راهزنان که موجب ناامنی جاده‌ها بودند با خشونت تمام قلع و قمع شدند. با افزایش ساختن راه‌ها، کاروانسراها و تعمیر و گسترش شبکه‌های آبیاری که موجب افزایش تولید می شدند، تجارت داخلی و حتی خارجی رونق یافتند (سیف، احمد، ۱۳۷۳).

در این دوره شیوه‌های جدید شیشه‌گری از ایتالیا وارد شد و شاه عباس سیصد نفر از سفالگران چینی را به منظور تعلیم ایرانیان، دعوت کرد که به نظر می‌رسد منجر به پیشرفت چشمگیری شده است ولی استخدام ساعت‌سازان انگلیس و سوئیزی توسط شاه نتیجه‌ای نداشت. در زمینه صنعتگری بعضی از شاخه‌های صنایع نظیر قالیبافی و نساجی به سطح بسیار عالی رسیدند. شاردن همانند سایر سیاحان از وجود امنیت در راه‌ها و وجود کاروانسراهای متعدد صحبت کرده است او همچنین به نگهداری راه‌ها و سنگفرش کردن آن‌ها توسط شاه عباس که در مازندران ۶۷/۵ فرسنگ^۱ (معادل ۲۷۰ کیلومتر) بود توجه زیادی کرده است (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸). امنیتی که به اعتقاد اروپایی‌ها در ایران برقرار شد، به خوبی می‌تواند نشانه بهبود وضعیت اقتصادی باشد.

در خصوص کشاورزی، گرچه بعضی از برنامه‌های جاه طلبانه مثل انحراف رود کارون به طرف زاینده رود به منظور آبیاری جلگه اصفهان ناموفق ماند ولی نظام پیشرفته آبیاری، استفاده از چاه‌ها و قنوات و هم کشت محصولات متنوع نظیر ابریشم، پنبه، خشخاش، توتون و درختان متعدد میوه سیاحان اروپایی، با تحسین از آن‌ها نام

۱. یک فرسنگ (League) اشاره به ۴۰۰۰ متر دارد.

برده اند. در زمینه مالکیت ارضی زمین های زیر کشت همچنان در اختیار خانواده سلطنتی و یا صاحبان تیول^۱ باقی ماند که توسط دهقانان کشت می شد و این ها در جوار شهرها اجاره بهای نقدی و در سایر قسمت ها بهره مالکانه گوناگونی را پرداخت می کردند. به عقیده شاردن وضع دهقانان «بسیار عالی بوده و می توانم التزام بدهم که در اکثر نواحی حاصلخیز اروپا افرادی زندگی می کنند که در مقایسه با این ها بسیار بدبخت و مفلوک هستند» (عبسوی، چارلز، ۱۳۸۸).

شاید یکی از چشمگیرترین ویژگی های اقتصاد ایران در سده هفدهم میلادی رشد تجارت آن مخصوصاً با اروپا باشد. اولثاریوس می نویسد: «در تمام آسیا و حتی در تمام اروپا کشوری نمی یابی که تجارتش را به اصفهان نفرستاده باشد که بعضی از آن ها عمده فروش و برخی دیگر خرده فروش هستند»؛ وی از دوازده هزار هندی و تاتار، ترک، کلیمی، ارمنی، گرجی، انگلیسی، هلندی، فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیولی صحبت کرده است (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸).

علاوه بر فراوانی و ارزانی مواد غذایی، محصولات کشاورزی غیر غذایی مثل ابریشم هم برای فروش در بازار به مقدار زیادی تولید می‌شد. در منابع مربوط به آن دوره آمده است که کل ابریشم ایران در حدود ۲۳۲۰۰۰ من (= مان) معادل ۲. ۹۰۰.

۰۰۰ پوند یا ۱۲۵ تن باشد که $\frac{1}{3}$ آن برای مصرف داخلی و در بافت فرش و منسوجات مورد استفاده قرار می‌گرفت و الباقی صادر می‌گردید (جکسون، پیترو لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰). عوارض صادراتی که از صدور ابریشم اخذ می‌شد، بالغ بر ۴۰ میلیون دینار بود. بعید نیست که این رقم کمی مبالغه آمیز باشد ولی فراموش نکنیم که در آن سال‌ها ابریشم خام ایران دومین محصول وارداتی اروپا از آسیا بود. اولتاریوس که در سال ۱۰۱۱-۱۰۰۹ در ایران زندگی کرد، کل محصول ابریشم خام ایران را $\frac{4}{3}$ میلیون پوند تخمین زده است (عیسوی، چارلز، ۱۳۶۲).

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد در طول آن سال‌ها امور زیربنایی و سرمایه‌ای که به‌عنوان کالاهای عمومی مورد نیاز جهت گسترش فعالیت بازارها می‌باشند، مثل

۱. تیول: به زمینهایی گفته می‌شد که شاه به شاهزاده‌ها و افراد وفادار به خود به صورت موقتی واگذار یا اجاره می‌داد و افرادی را که متولی این امر بودند تیولدار می‌نامیدند.

شبکه‌های آبیاری و راه‌ها از رشد مطلوبی برخوردار بوده است. به طور کلی می‌توان گفت اقتصاد ایران در طول سلطنت شاه عباس به طور نسبی موفقیت آمیز کار می‌کرده است. مازاد تولید که در دست دولت بود بر خلاف دوره شاه طهماسب که به صورت دفینه از جریان اقتصادی خارج می‌شد، عمدتاً در بخش‌های گوناگون زیربنایی مثل تعمیر و گسترش شبکه‌های آبیاری، جاده‌ها، کاروانسراها و غیره سرمایه‌گذاری می‌شدند. بدیهی بود نتیجه این اقدامات، افزایش تولید و تجارت باشد. افزایش نسبی تولید و درآمد ملی در این شرایط منجر به افزایش جمعیت نیز گردید. به نحوی که در انتهای دوره صفویه جمعیت اصفهان توسط شاردن ۶۰۰۰۰۰ نفر و یا به اندازه جمعیت لندن و جمعیت تبریز نیز در حدود ۵۵۰۰۰۰ نفر برآورد شده است (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸).

فقدان پویایی درون‌زا در اقتصاد کشور را در این دوره باید در نقش دوگانه سیاسی حاکم بر ایران جستجو کرد. نقش دوگانه‌ای که از یک سو جهت تشویق تولید و رفع موانع آن صورت می‌گرفت و از سوی دیگر بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در عرصه تجارت خارجی در انحصار دولت قرار داشت. نه فقط انحصار تجارت خارجی با شاه بود بلکه بر اساس عرف جامعه، او خود را میراث خوار هر کسی که اراده می‌کرد می‌دانست.

مسئله این نیست که آیا مالکیت خصوصی در ایران وجود داشت یا خیر، بلکه مسئله این بود که آیا مالکیت خصوصی می‌توانست رشد کند یا نه؟ و یا با رشد خود قادر بود توسعه درون‌زا و پویا را در کشور موجب شود؟ جواب این سؤال با آنچه که از اوضاع ایران در این دوره می‌دانیم مثل وجود انحصارات دولت مرکزی بر فعالیت‌های اقتصادی کشور به ویژه تجارت خارجی، منفی است.

شاه عباس پیشتر بر یک مبنای شخصی تجارت را به عنوان یک انحصار دولتی سر و سامان داده بود. دلیل این اقدام تا حدی تصمیم او برای متمرکز کردن تشکیلات حکومتی‌اش بود. شاه عباس ارامنه‌ای را که به اصفهان کوچ داده بود مورد تشویق جهت امر تجارت قرار داد با این همه شاه تجارت بین‌المللی را تحت کنترل خود درآورده بود. در دوران شاه صفی انحصار سلطنتی تا حد زیادی از بین رفت (جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر در دوره صفویه هر ولایت به رئیس یکی از طوایف قزلباش واگذار می‌شد و او باید آن ولایت را با درآمدی که از آن بدست می‌آورد اداره کند و مازاد را به خزانه حکومت بفرستد از آنجا که تنها شاه مالک انحصاری زمین بود، کسانی که زمین به آنان واگذار می‌شد صاحب زمین نبودند و حکومت می‌توانست مالکیت زمین را از آنان بگیرد که در زمان صفویه خاصه نامیده می‌شد. ممکن بود حکومت هنگام ضعف نتواند اراده خود را به سادگی تحمیل نماید اما شاه عباس هم اراده و هم توانایی تبدیل برخی ولایات به املاک خاصه را داشت که در دوره او بیشترین املاک خاصه حاصل گردید (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

بدیهی است در جامعه‌ای که با چنین نظامی اداره می‌گردید، اختلال در حاکمیت مرکزی به بحران اقتصادی منجر می‌گردد و این وضعی بود که پس از مرگ شاه عباس در سال ۱۰۰۷ پیش آمد. بلافاصله پس از مرگ او اهالی گیلان به انگیزه پس‌گیری زمین‌های خود از شاه شورش کردند. فراموش نکنیم که گیلان در سال ۹۷۱ و ایالات مازندران در سال ۹۷۵ جزو املاک خاصه اعلام شده بودند. تولید ابریشم در سال‌های ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ لطمات شدیدی خورد. ادامه ناامنی‌های داخلی از یک طرف و جنگ عثمانی با ایران از سوی دیگر به اقتصاد ایران صدمه زیادی زد. در نیمه دوم قرن هفدهم کانال‌های آبیاری به شدت صدمه دیدند و تعداد قنوات جاری کاهش یافت و حتی گفته می‌شود همراه با این وضعیت، دهقانان به‌ویژه از ایالات جنوبی ایران، به‌طور گسترده به سایر کشورهای همجوار بخصوص هندوستان مهاجرت کردند. (نوایی، عبدالحسین، ۱۳۷۷)

بر خلاف دوره قبل در دوره پس از شاه عباس، اقدامی برای احیای توان تولیدی کشور انجام نگرفت. افزایش نرخ مالیات به ضعف تر شدن دهقانان منجر شد و بحران اقتصادی و کاهش فعالیت‌های تولیدی و تجاری به صورت‌های مختلف بروز کرد، از جمله منجر به کاهش تجارت خارجی ایران شد، به‌طوری که در طول ۶-۷ سال اول سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۲-۱۰۴۵)، درآمد گمرکی بندر عباس و بندر لنگه بین ۲ تا ۱۱ میلیون دینار نوسان داشت، در حالی که در دوره شاه عباس دوم (۱۰۴۵-۱۰۲۱) درآمد گمرکی این دو بندر معادل ۲۴/۵ میلیون دینار بود (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸).

در اواخر دوره صفویه از یک سو صادرات نقره خاصه به صورت سکه و عمدتاً به هند به شدت دنبال می‌شد و از سوی دیگر دولت از پرداخت نقدی خودداری می‌کرد و سکه تا آنجا که ممکن بود در خزانه شاه انباشته می‌شد که این خود اوضاع اقتصادی را بدتر می‌کرد (جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰).

در سال‌های نخستین از حکومت شاه اسماعیل اول سکه‌های نقره که به ترتیب چهار، دو و یک مثقال (۱۷/۸ گرم، ۹/۳ گرم و ۴/۷ گرم) وزن داشتند رواج یافت. بعداً از وزن این سکه‌ها کاسته شد البته سکه نقره به وزن یک مثقال به ارزش ۵۰ دینار بود، دو مثقال به ارزش ۱۰۰ دینار و چهار مثقال ۲۰۰ دینار بود. در دوره شاه عباس اول یک سکه ۲۰۰ دیناری یک عباسی نامیده می‌شد. البته بعداً وزن عباسی از دو مثقال (۹/۳ گرم) به ۷/۸ گرم کاهش یافت ضمن اینکه سکه نقره بیستی به ارزش ۲۰ دینار و شاهی به ارزش ۵۰ دینار و محمدی به ارزش ۱۰۰ دینار ضرب می‌گردید (جکسون، پیترو و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰).

۱-۲ اقتصاد دوره نادرشاه

اقتصاد ایران بزرگ‌ترین ضربه را در سال ۱۱۰۱ شمسی خورد سالی که شورشیان افغان شهر اصفهان را به تصرف درآوردند و به دنبال آن دوره‌ای از اغتشاش و بی‌نظمی سرتاسر مملکت را فراگرفت. حتی گفته شده در این دوره در منطقه اصفهان بیش از هزار دهکده منهدم و خالی از سکنه گردید. تداوم اغتشاش و ناامنی به نظام آبیاری مخصوصاً قنوات، بندها و سدها لطمات زیادی وارد آورد و سد معروف بند سلیمان در مرو کاملاً منهدم شد. علاوه بر اصفهان شهرهای شیراز، یزد، تبریز و قزوین هم غارت شد (شرلی، آنتونی و رابرت، ۱۳۷۸). سقوط حکومت مرکزی، راه را برای ناامنی، اغتشاش و جنگ داخلی باز کرد که چند سالی ادامه یافت. به علاوه دو همسایه قدرتمند ایران، امپراطوری عثمانی و روسیه، با سوء استفاده از اغتشاش داخلی، بخش‌هایی از ایران را به اشغال درآوردند و در سال ۱۱۱۱ شمسی عهدنامه‌ای را به ایران تحمیل کردند که بر آن اساس بخش‌های شمالی و غربی کشور از ایران منفک گردید. روس‌ها به سرعت باکو، دربند و گیلان را اشغال کردند و برای دیگر مناطق سواحل دریای خزر خطر بالقوه و جدی به حساب می‌آمدند. از سوی دیگر، عثمانی‌ها به ایران

اعلام جنگ کردند و با ارتشی عظیم به فرماندهی پاشای بغداد، کرمانشاه و لرستان را اشغال کردند (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

در سال ۱۱۱۲ شمسی با شکست عثمانیان از نادر از سرزمین های اشغالی عقب نشینی کردند و در سال ۱۱۱۴ نیز نادر موفق شد روس ها را از رشت بیرون براند.

در سال های ۱۱۱۵-۱۱۱۴ قحطی ایران را فرا گرفت و بیماری و بیچارگی و فقر مردم باعث کاهش تجارت شد، که این امر خود نابودی نسبی صنایع دستی را به دنبال داشت. وضعیت جنگ داخلی و اغتشاش پس از ۱۴ سال سرانجام در سال ۱۱۱۵ پایان یافت و خاندان افشاریه به زعامت نادر قلی، سلسله جدیدی را بنا نهادند.

در سال ۱۱۱۵ نادر رؤسای طوایف را از سراسر ایران رسماً برای تعیین نظام حکومتی کشور ولی در حقیقت برای کنار گذاشتن صفویه و اعلام پادشاهی خود، در دشت مغان گرد آورد. رؤسای طوایف تاج پادشاهی را به نادر تقدیم کردند و او نیز تاج را پذیرفت. نادر در آن هنگام ۴۷ سال داشت و اگر در جای خود آرام گرفته و در دوران بلندی از بازسازی بر ایران بجای اقدام به کشورگشایی حکومت کرده بود شایسته ستایش می بود چرا که نه تنها ایران را از هرج و مرج و اشغال خارجیان نجات داد می توانست ثروت و شکوه اقتصادی را نیز برای کشور به ارمغان آورد. حمله به قندهار در سال ۱۱۱۵ اولین اقدام مهم شاه تازه بود. قندهار در سال ۱۱۱۷ سقوط کرد و نادر پس از آن به این بهانه که گورکانیان هند به افغان های فراری پناه داده اند به هند حمله برد. نادر برای حمله به هند دو انگیزه به هم پیوسته داشت. نخست آن که خزانه دولت با وجود مالیات های سنگین خالی شده بود و نادر برای نگهداری لشکر عظیم خود به پول نیاز داشت. دیگر آن که نادر چنان که تا پایان حکومت خود نشان داد، به کشورگشایی دل بسته بود و تقریباً همه وقت از فتحی به فتحی دیگر در حرکت بود (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

تردیدی نیست که نادر شاه توانست با احیای حاکمیت مرکزی مسیر رو به رشد مشکلات اقتصادی کشور را کند کند. ولی از سوی دیگر باید گفت در تمام دوران سلطنت نادرشاه (۱۱۱۵-۱۱۲۶) اقدام جدی در خصوص بهبود اقتصاد کشور بعمل نیامد، چرا که بیشتر دوره حکومت او به جنگ و کشور گشایی گذشت، زیرا او احیای امپراطوری ایران را در سر می پروراند. به همین دلیل سیاست نادرشاه باعث گشت که

تولیدکنندگان که برآستی زندگی سختی داشتند، مستمندتر و بیچاره تر گردند. درآمدهای دولت به جای اینکه صرف احیای امکانات تولیدی، نظام آبیاری منهدم شده، بازسازی جاده‌ها، کاروانسراها و غیره بشود، در جنگ‌های نادر شاه در هندوستان به هدر رفت (سیف، احمد، ۱۳۷۳). بنابراین ایران از موقعیتی مناسب که همزمان با دوره رنسانس و بیداری اروپا بود، برای احیای بنیه اقتصادی خویش محروم ماند. ارزش آنچه که از هند توسط نادر آورده شد در حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون لیره استرلینگ تخمین زده می شود (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸) که عمدتاً در کلات نادری به صورت دفینه درآمد و متأسفانه احتکار شد و تأثیری بر رشد اقتصادی کشور نداشت.

تجارت داخلی در کنترل شاه بود، چرا که در هر شهر، یک یا چند تاجر درباری وجود داشت و هیچ کس غیر از نمایندگان شاه (تاجران درباری) حق خرید کالاهای وارداتی را نداشتند. طلا و نقره به جز در خزانه شاه در جای دیگر یافت نمی گردید (سیف، احمد، ۱۳۷۳). با خارج شدن طلا و نقره از جریان اقتصادی که همان پول در گردش آن دوره بودند، حجم پول به عنوان وسیله مبادله کاهش یافت. بدین ترتیب با کاهش حجم پول به نوعی سیاست پولی انقباضی به اقتصاد کشور تحمیل گردید و منجر به رکود اقتصادی شد. ضمن اینکه هر خانوار ایرانی مجبور بود یکی از اعضای خود را برای خدمت در سپاه شاه بفرستد که این امر نیز منجر به کاهش نیروی کار فعال در روستاها می گردید.

از سوی دیگر با افزایش مالیات‌ها به انگیزه کسب درآمد بیشتر برای دولت رکود اقتصادی در کشور تشدید گردید. با وجود ستمگری نادرشاه در جمع‌آوری مالیات‌ها و با وجود افزودن نرخ مالیات و برقراری مالیات‌های جدید، به دلیل بروز رکود شدید اقتصادی، درآمد مالیاتی کشور در زمان او در حدود $\frac{1}{3}$ درآمد مالیاتی در زمان صفویه بود. بدیهی است نظر به اینکه مالیات درصد معینی از تولید جاری کشور بود و از آنجا که نرخ مالیات هم کاهش نیافته و بلکه بیشتر هم شده بود، پس کاهش درآمد مالیاتی در این دوره احتمالاً می تواند ناشی از کاهش کل تولیدات در اقتصاد کشور باشد که دلیلی بر وجود رکود اقتصادی در این دوره است. صادرات ابریشم گیلان توسط تجار ارمنی و روسی به یکدهم مقدار معمولی آن رسید. تجار انگلیسی در سال ۱۱۲۸ به‌طور کلی ایران را ترک گفتند و از خیر تجارت با ایران گذشتند. (سیف، احمد، ۱۳۷۳).

۱-۳ اقتصاد دوره کریمخان

نادر در سال ۱۱۲۶ میلادی به قتل رسید و یک بار دیگر جنگ داخلی و اغتشاش برای چند سالی ایران را فرا گرفت. کریمخان از سال ۱۱۳۷ شمسی تا درگذشتن ۱۱۵۸ با عنوان وکیل، یا نماینده و با تظاهر به نمایندگی شاه اسماعیل سوم صفوی (از نوادگان شاه سلطان حسین) که در سال ۱۱۵۱ درگذشت، حکومت کرد. بنابر همه روایات، کریم خان حاکمی عادل بود و در دو دهه حکومتش بخش‌هایی از کشور که در اختیار او قرار داشتند از آرامش و امنیت نسبی برخوردار بودند. کریمخان انحصار تجارت خارجی بندر بوشهر را در اختیار شرکت هند شرقی انگلیسی گذاشت و مرکز آن شرکت از بندرعباس به بندر بوشهر منتقل شد. کریمخان بناهای عمومی مانند کاروان سرا و تعداد ساختمان و بنای یادبود از جمله مسجد و بازار وکیل را در شیراز ساخت (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱). او نرخ مالیات را همچون شاهان موفق صفوی کاهش داد و به تشویق صنعت‌گران به منظور تولید برای جایگزینی واردات کالاهای خارجی دست زد. نظام آبیاری در کشور را به‌ویژه در جنوب و بخصوص در ایالات فارس، به مقدار زیادی احیا کرد. برای بهبود وضع تجارت به تجار به خصوص تجار ارمنی امتیازهایی اعطاء کرد (سیف، احمد، ۱۳۷۳). کریمخان که در سال ۱۱۵۸ درگذشت خدمات او متأسفانه نیمه‌کاره ماند. در جنگ‌های داخلی در سال‌های واپسین سلسله زندیه، خصوصاً در شهر کرمان لطمات و آسیب‌های نامساعدی به دنبال داشت. گزارشات تمام سیاحانی که در آغاز قرن نوزدهم از ایران دیدن کردند مبین بدبختی‌های مملکت در زمینه‌های کاهش جمعیت، فقر و انحطاط اقتصادی و جدایی آن از جریان اصلی سیاست، تجارت، علم و فرهنگ جهانی است (عیسوی، چارلز، ۱۳۸۸). هرج و مرج و جنگ داخلی خونینی میان مدعیان حاکمیت بر ایران درگرفت تا سرانجام آقا محمدخان قاجار سلسله قاجاریه را در دهه آخر قرن دوازدهم شمسی مصادف با قرن هجدهم میلادی همزمان با انقلاب صنعتی در انگلستان تأسیس کرد.

۱-۴ اقتصاد دوره قاجاریه (۱۳۰۴-۱۱۷۴)

آقامحمدخان مخالفان خود را هم داخل طایفه قاجار و هم در سراسر کشور با کارایی، خشونت و بی رحمی سرکوب کرد، اما بخاطر برقراری صلح و ثبات، از او استقبال شد.

بدین ترتیب او ایران را دوباره وحدت بخشید و به راهزنی و غارت گسترده پایان داد و جهت امنیت بخشیدن به راه‌ها، حفاظت از روستائیان در مقابل غارتگران، ایمن ساختن شهرها در برابر هرج و مرج و جلوگیری از کاهش فعالیت های عادی تولیدی و تجارتی اقدام نمود، فرایندی که در دوران حکومت برادرزاده و جانشینش، او نیز ادامه پیدا کرد. پس از مرگ آقامحمدخان، فتحعلی شاه سنت‌های دیرین تجمل و تشریفات، در دربار را زنده کرد (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

دوران فتحعلی شاه شاهد ظهور و رقابت دو امپراطوری پرقدرت اروپایی انگلیس و روس و آغاز بازی آن دو به اشکال مختلف در ۱۵۰ سال بعد از آن در ایران و منطقه بود. در جنگ اول ایران و روس که با میانجی‌گری انگلستان، ایران در سال ۱۱۹۲ شمسی (۱۸۱۳ میلادی) درخواست صلح داد، منجر به پیمان گلستان شد، پیمانی که باعث تحقیر شاه و نایب السلطنه او عباس میرزا گردید.

علی‌رغم مخالفت وزیر توانا و مورد اعتماد عباس میرزا، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام پس آزار و اذیت مسلمانان زیر سلطه روسیه عباس میرزا با لشکر تازه‌ای که به سبک اروپایی به کمک انگلستان ایجاد کرده بود با روسیه درگیر جنگ شد و انتظار داشت براساس پیمان ۱۱۹۳ شمسی (۱۸۱۴م) با انگلستان آن کشور به ایران در جنگ با روسیه کمک مستقیم کند اما چنین نشد و جنگ به شکستی فاحش انجامید. مذاکره برای صلح به پیمان ترکمان‌چای ۱۲۰۷ شمسی (۱۸۲۸م) انجامید. ایران ناچار شد یک میلیون روبل غرامت بپردازد ضمن اینکه سراسر قفقاز، از جمله خانات نخجوان و ایروان، برای همیشه به روسیه واگذار شد همچنین روسیه حق مداخله در داخل ایران برای تضمین بازگشت داوطلبانه اتباعش و محافظت حقوق اتباع جدید و اتباع پیشین امپراطوری روسیه را به دست آورد. به مرور زمان حق تسلیم یا کاپیتولاسیون^۱ به انگلیس نیز داده شد و زوال ایران به عنوان یک کشور مستقل از سال ۱۰۲۷ شمسی (۱۸۲۸م) آغاز شد (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

۱. کاپیتولاسیون (capitulation) که آن قضاوت کنسولی نیز می‌گویند، در حقوق بین‌الملل به معنای هرگونه موافقت‌نامه‌ای است که در آن کشوری به کشور دیگر اجازه می‌دهد که از قوانین قضایی خود برای اتباع خود که در داخل مرزهای آن کشور زندگی می‌کنند استفاده کند (قره‌باغیان، مرتضی، ۱۳۷۲).

لشکر سازمان یافته و منظم عباس میرزا توانایی و کارایی لازم را در عمل در برخورد های نظامی نشان نداد چرا که تغییر ساختار لشکر تنها در صورتی می توانست به نتیجه برسد که بخش های اساسی دیگر از جامعه نیز دگرگون شده باشد. به عبارت دیگر در حکومتی بدون نظم و انضباط نمی توان ارتشی منظم و کارا به وجود آورد. مردم در سال ۱۲۰۸ شمسی (۱۸۲۹م) با کشتن الکساندر گریبایدوف و هیأت روس همراه او از شکست تحقیرآمیز خود به دست روسیه انتقام گرفتند. گریبایدوف به عنوان وزیر مختار روسیه در چارچوب عهدنامه ترکمن چای وظیفه گرفتن غرامت و بازگرداندن اتباع سرزمین هایی که دیگر در قلمرو روسیه قرار داشت را دنبال می کرد و در برخورد با مردان ایرانی که زن ارمنی یا گرجی داشتند مورد مخالفت و اعتراض مردم قرار گرفت (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

پس از مرگ فتحعلی شاه در سال ۱۲۱۳ شمسی محمدشاه پسر عباس میرزا حاکم شد و چهارده سال سلطنت او را می توان دورانی پرتلاطم، آکنده از توطئه های درباری، هرج و مرج در ولایات همراه با گرایش و اتکاء بر روسیه نامید. محمد شاه در سال ۱۲۱۶ شمسی (۱۸۳۷م) هرات را محاصره کرد اما سال بعد به دنبال فشار شدید انگلیس به محاصره پایان داد. سفرای هر دو کشور روس و انگلیس دائماً در توطئه های دربار به ویژه بر سر جانشینی شاه شرکت داشتند (کاتوزیان، همایون، ۱۳۹۱).

با مرگ محمدشاه در سال ۱۲۲۷ شمسی بار دیگر مرکز کشور به هرج و مرج گرفتار شد. با انتقال پیروزمندانه ناصرالدین شاه از تبریز به تهران با سازماندهی میرزا تقی خان امیرکبیر هرج و مرج در تهران پایان یافت و دوران طولانی و پرماجرای شاه تازه آغاز شد. در فاصله سال های ۱۲۲۷ و ۱۲۳۰ شمسی امیرکبیر به نام شاه بر کشور حکومت می کرد. شاه جوان امیدوار بود که کشور را با اصلاح اساسی اداری، نهاد سازی و نوین سازی نیرومندتر کند اما پس از مدتی ناامید شد و زندگی اش را وقف شکار، پول پرستی و شدت بیشتری به پیش برد و نظامی به نام بُنیچه (جدول مالیاتی در عهد صفویه) نیز برپا کرد که بر پایه آن هر بخش از کشور ناچار بود در تأمین نیروی نظامی سهمی داشته باشد. دارالفنون، که پس از قتل امیرکبیر افتتاح شد، به همت او بر پایه مدارس معروف فرانسوی اکول پلی تکنیک تأسیس شده بود و در آن آموزگاران